

چکیده

اصول فقه

به صورت

پرسش و پاسخ

علی ناصری راد

سرشناسه : ناصری راد ، علی ، ۱۳۴۹-

عنوان و نام پدیدآور: چکیده اصول فقه مظفر / علی ناصری راد .

مشخصات نشر : مشهد : کتاب شفا ، ۱۳۹۱ .

مشخصات ظاهری : ۱۵۲ ص

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۵-۰۶-

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتاب حاضر پرش و پاسخ مباحث کتاب "اصول فقه" نوشته محمد رضا مظفر می باشد .

موضوع : اصول فقه

شناسه افزوده : مظفر ، محمد رضا ، ۱۹۶۴-۱۹۰۴ م . اصول الفقه

رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۶۰۹۵۷۳ الف ۶ م / BP ۱۵۵

رده بندی دیسی : ۲۹۷/۳۱

شمار کتابشناسی ملی : ۲۸۶۵۶۷۹



شناسنامه کتاب :

نام کتاب چکیده اصول فقه مظفر
نویسنده علی ناصری راد
ناشر کتاب شفا
چاپ میثاق
لیتوگرافی سوره
نوبت چاپ اول ۱۳۹۱
تیراژ ۲۰۰۰ نسخه
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۵-۰۶-

قیمت : ۴۵۰۰ تومان

مراکز پخش :

مشهد - انتشارات کتاب شفاء - چهارراه شهداء - خیابان آیت الله بهجت ۲
مجمع گنجینه کتاب - طبقه پایین ۰۹۱۵۳۰۱۳۷۰۸ - ۰۵۱۱-۲۲۲۰۱۴۳-۴
قم - خ ارم - پاساژ قدس - کتابفروشی حسینی ۰۲۵۱-۷۷۳۷۴۰۵
قم - خ ارم - پاساژ قدس - انتشارات قدس رضوی ۰۲۵۱-۷۷۴۲۰۲۹
قم - خ ارم - پاساژ قدس - انتشارات نهانندی ۰۲۵۱-۷۷۴۰۰۴۷
قم - خ ارم - پاساژ قدس - انتشارات پیام نو آور (حقوق اسلامی) ۰۲۵۱-۷۷۴۴۲۰۰
تهران - خ ناصر خسرو - کوچه حاج نائب - پاساژ مجیدی - نشر صادق ۰۲۱-۳۳۹۳۴۶۴۴

فهرست مطالب

مدخل.....	۷
مقدمه.....	۹
صحیح و اعم.....	۱۸
مقصد اول: مباحث الفاظ.....	۲۰
باب اول: مشتق.....	۲۰
باب دوم: اوامر.....	۲۳
باب سوم: نواهی.....	۳۷
باب چهارم: مفاهیم.....	۳۹
مبحث اول: مفهوم شرط.....	۴۰
مبحث دوم: مفهوم وصف.....	۴۳
مبحث سوم: مفهوم غایت.....	۴۳
مبحث چهارم: مفهوم حصر.....	۴۴
مبحث پنجم: مفهوم عدد.....	۴۵
مبحث ششم: مفهوم لقب.....	۴۵
خاتمه: دلالت اقتضا، دلالت تنبیه، دلالت اشاره.....	۴۶
باب پنجم: عام و خاص.....	۴۸
باب ششم: مطلق و مقید.....	۵۵
باب هفتم: مجمل و مبین.....	۶۱
مقصد دوم: ملازمات عقلیه.....	۶۴
باب اول: مستقلات عقلیه.....	۶۵
مبحث اول: حسن و قبح عقلی.....	۶۵
مبحث دوم: ادراک حسن و قبح توسط عقل.....	۶۹
مبحث سوم: ملازمه عقلی بین حکم عقل و حکم شرع.....	۷۰
باب دوم: غیر مستقلات عقلیه.....	۷۱

۷۱	مسئله اول: اجزاء.....
۷۵	مسئله دوم: مقدمه واجب.....
۸۲	مسئله سوم: مسئله ضد.....
۸۵	ترتیب.....
۸۶	مسئله چهارم: اجتماع امر و نهی.....
۹۰	مسئله پنجم: دلالت نهی بر فساد.....
۹۳	مقصد سوم: مباحث حجت.....
۱۰۱	باب اول: قرآن کریم.....
۱۰۳	باب دوم: سنت.....
۱۰۷	باب سوم: اجماع.....
۱۱۱	باب چهارم: دلیل عقلی.....
۱۱۲	باب پنجم: حجیت ظواهر.....
۱۱۵	باب ششم: شهرت.....
۱۱۷	باب هفتم: سیره.....
۱۱۸	باب هشتم: قیاس.....
۱۲۲	باب نهم: تعادل و تراجیح.....
۱۲۶	امر اول) جمع عرفی.....
۱۲۷	امر دوم) قاعده ثانویه برای متعادلین.....
۱۳۰	امر سوم: مرجحات.....
۱۳۴	مقصد چهارم: مباحث اصول عملیه.....
۱۳۵	باب استصحاب.....
۱۴۶	مقدار دلالت اخبار استصحاب.....
۱۴۹	تنبيهات استصحاب: استصحاب کلی، شبهه عبائیه.....

مدخل

تعریف علم اصول، حکم واقعی و حکم ظاهری، موضوع علم اصول
فایده علم اصول، تقسیم مباحث علم اصول

۱- «علم اصول» را تعریف کرده و توضیح دهید.

علم اصول علمی است که از قواعد و ضوابطی بحث می کند که نتیجه آنها در مسیر استنباط حکم شرعی قرار می گیرد؛ مثلاً: نماز در شریعت مقدس اسلام، واجب است و دلیل وجوب آن، آیه شریفه «وَأَنۡ أَقِمُوا الصَّلَاةَ» (انعام ۷۲) و مانند آن است؛ اما دلالت این آیه بر وجوب، وابسته به این دو مقدمه است:

مقدمه اول) صیغه امر مانند **أَقِمُوا** ظهور در وجوب دارد.

مقدمه دوم) ظهور قرآن، حجت است و می توان به آن، استدلال نمود.

در علم اصول، درباره این دو مقدمه و مشابه آنها بحث می شود تا شخص فقیه با استناد به این مقدمات بتواند احکام شرعی را از منابع شرعی؛ مانند قرآن و سنت، استنباط کند.

۲- «حکم واقعی» و «حکم ظاهری» را تعریف کنید.

حکم واقعی حکمی است که برای فعل مکلف با لحاظ خود فعل و بدون ملاحظه هیچ عنوان دیگری، ثابت باشد؛ مانند وجوب نماز.

حکم ظاهری حکمی است که برای فعل مکلف نه به لحاظ خود فعل بلکه به لحاظ جهل و تحیر مکلف در حکم واقعی آن، ثابت می شود؛ مثلاً کسی که شک دارد نماز اول

ماه، واجب است یا نه، حکم به برائت می‌کند.

۳- «دلیل اجتهادی» و «دلیل فقهاتی» را تعریف کنید.

انواع دلیل

دلیل اجتهادی دلیلی است که توسط آن، به حکم واقعی دست می‌یابیم. نام دیگر آن اماره است. دلیل فقهاتی دلیلی است که به کمک آن به حکم ظاهری دست می‌یابیم. نام دیگر آن، اصل عملی است.	}
--	---

۴- موضوع علم اصول چیست؟ نظر مصنف را بیان کنید؟

برخی موضوع علم اصول را ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) دانسته‌اند و برخی ادله اربعه به اضافه استصحاب و یا به اضافه قیاس یا استحسان و مانند اینها. به نظر مصنف: علم اصول، موضوع مشخصی ندارد و درباره موضوعات مختلفی بحث می‌کند که همه آنها در یک هدف یعنی «استنباط حکم شرعی»، مشترک‌اند.

۵- فایده علم اصول چیست؟

فایده علم اصول آن است که مکلف به کمک آن می‌تواند احکام شرعی را از ادله و منابع آنها استنباط کند.

مقدمه

وضع الفاظ، استعمال الفاظ، دلالت الفاظ

۶- دلالت الفاظ بر معانی، «دلالیت ذاتی» است یا «دلالیت قراردادی»؟ چرا؟

دلالیت الفاظ بر معانی وضعی و قرار دادی است؛ یعنی باید کسی، لفظ را برای معنا قرار دهد؛ زیرا اگر دلالت، ذاتی باشد (مانند دلالت دود بر آتش) باید همه انسان‌ها معنای یک واژه را بدانند در حالی که این طور نیست.

۷- اولین واضع در هر لغت، چه کسی است؟ نظر مصنف چیست؟

واضع لغات، خود انسان‌ها هستند؛ زیرا انسان برای رسیدن به هدف خود برای هر معنایی، واژه‌ای قرار می‌دهد و به مرور زمان و در اثر پیدایش گروهی از واژه‌ها، زبانی جدید با قواعد دستوری ویژه‌ای به وجود می‌آید.

۸- «وضع تعیننی» و «وضع تعیننی» را تعریف کنید.

وضع تعیننی در جایی است که شخص معینی لغت را برای یک معنا قرار دهد؛ چنانکه پدر، اسمی را برای فرزند انتخاب می‌کند.	} انواع وضع
وضع تعیننی در جایی است که اختصاص لفظ به معنا به خاطر کثرت	
استعمال لفظ در آن معناست در حدی که وقتی مردم آن لفظ را	
می‌شنوند آن معنای مخصوص به ذهنشان می‌رسد.	

۹- در وضع لغت برای معنا چگونه آن دو را تصور می‌کنیم؟ چرا؟

وقتی لفظی برای معنا وضع می‌شود لفظ و معنا را می‌توان دو گونه تصور نمود:

صورت اول) تصور شیء بنفسه؛ یعنی به خود شیء توجه شده و مفهوم آن تفصیلاً

درک شود؛ مانند توجه پدر به فرزند خود برای نامگذاری.

صورت دوم) تصور شیء بوجهه؛ یعنی یک عنوان عامی تصور شود که اعم از آن شیء

بوده و بر آن منطقی می‌شود؛ مانند شبی که انسان از دور می‌بیند و فقط تشخیص می‌دهد

که انسان است اما اسم او را نمی‌داند و می‌گوید: او انسان است.

۱۰- اقسام وضع به اعتبار نوع تصور معنای موضوع له را نام برده و مثال

بزنید.

قسم اول) وضع خاص و موضوع له خاص؛ یعنی هنگام وضع، یک

معنای خاص، تصور شده و سپس لفظ برای همان معنا وضع شده

است؛ مانند وضع نام «احمد» برای کودک که متولد شده است.

قسم دوم) وضع عام و موضوع له عام؛ یعنی ابتدا یک معنای عام، تصور

شده و سپس لفظ برای همان معنای عام، وضع شده است؛ مانند

وضع واژه «انسان» برای موجودی که حیوان ناطق است.

قسم سوم) وضع عام و موضوع له خاص؛ یعنی هنگام وضع، یک معنای

عام، تصور شده و سپس لفظ، برای فردی از افراد آن کلی قرار داده

می‌شود؛ مانند وضع لفظ «مِن» برای «ابتدای مسیر خانه تا مدرسه». در

اینجا واضع، اول، ابتدائیت کلی را تصور نموده و بعد کلمه «مِن» را

برای فردی از افراد آن کلی، وضع کرده است.

قسم چهارم) وضع خاص و موضوع له عام؛ یعنی هنگام وضع، معنای

خاص تصور شود و در مرحله بعد، لفظ برای معنایی عام که شامل

آن خاص می‌شود، وضع شود. این قسم، امکان خارجی ندارد.

اقسام وضع به
اعتبار نوع تصور
معنای موضوع
له و خاص یا
عام بودن آن

۱۱- از اقسام چهارگانه وضع، کدامیک ممکن و کدام، ناممکن است؟ چرا؟

سه قسم اول، ممکن و قسم چهارم، غیر ممکن است؛ زیرا معنای موضوع له نه بنفسه تصور شده است و نه بوجهه.

۱۲- آیا «وضع عام و موضوع له خاص»، واقع شده و مصداق دارد؟

بله؛ مانند وضع حروف و چیزهایی که ملحق به حروف هستند مانند: ضمائر، اسماء اشاره، اسماء استفهام، اسماء شرط و اسماء موصول.

۱۳- به نظر مصنف، نحوه وضع حروف چگونه است؟ توضیح دهید.

به نظر مصنف حروف برای معانی مابین با معانی اسما وضع شده‌اند؛ چون معانی حروف، غیر مستقل است و معانی اسما مستقل می‌باشد.

توضیح: برخی موجودات، مستقل‌اند مانند وجود اشیای اطراف ما، و برخی غیر مستقل؛ مانند نسبتی که بین «زید» و «ایستاده» در جمله «زید ایستاده است» برقرار است. ما همان‌طور که باید برای معانی مستقل، تعبیری داشته و مثلاً بگوییم «درخت»، «سنگ» و امثال آن، همین‌طور لازم است از معانی وابسته تعبیری داشته باشیم از این رو برای تعبیر از معانی غیر مستقل، حروف، هیئت‌ها و اسمای ملحق به حروف، وضع شده‌اند. مثلاً در مثال «از خانه آمدم» کلمه «از» معنای ابتدائیت غیر مستقل را می‌فهماند. خلاصه این که: **حروف برای معانی غیر مستقل وضع شده‌اند و رابط بین مفردات مستقل می‌باشند.**

۱۴- استعمال حقیقی، استعمال مجازی و استعمال غلط را تعریف کنید.

اگر واژه‌ای در معنای موضوع له خود به کار رود، استعمال حقیقی است و اگر در معنای غیر موضوع له به کار رود، چنانچه بین معنای موضوع له و غیر موضوع له، مناسبتی وجود داشت مجاز است و گرنه استعمال غلط خواهد بود؛ مثلاً استعمال واژه «شیر» در شیر درنده، حقیقت است و در مرد شجاع، مجاز است و در درخت، غلط می‌باشد.

۱۵- آیا صحت استعمال مجازی، مشروط به اجازه واضح و ملاحظه علاقه‌های مجازی در علم بیان است یا خیر؟ چرا؟

خیر؛ تابع استحسان طبع است؛ چون طبع انسان استعمال واژه «اسد» را در «مرد شجاع» نیکو می‌شمارد گرچه واضح لغت، آن را منع کند ولی طبع انسان، استعمال آن واژه را درباره کسی که دهانش بدبو است، نیکو نمی‌داند.

۱۶- «دالات تصویری» و «دالات تصدیقی» را تعریف کرده و شرایط هر کدام را ذکر نمایید. نظر مصنف درباره این تقسیم را نیز بیان کنید.

دالات تصویری آن است که ذهن انسان به مجرد شنیدن لفظ، به معنای آن، منتقل شود.

دالات تصدیقی آن است که لفظ، دالات کند بر این که این معنا مراد متکلم است و متکلم، آن معنا را قصد نموده است.

مصنف می‌فرماید: دالات به این معناست که شیء دال، کاشف از وجود شیء مدلول باشد. این کاشفیت فقط در دالات تصدیقی وجود دارد و دالات تصویری در واقع نوعی تداعی و انتقال معناست.

۱۷- آیا دالات، تابع اراده است؟ چرا؟

بله دالات تابع اراده است؛ زیرا دالات به این معناست که شیء دال، کاشف از وجود شیء مدلول باشد و این کشف در جایی است که قصدی در کار باشد؛ مثلاً تابلو راهنمایی وقتی دالات بر پیامی خاص مانند جهت مسیر دارد که در جایی مناسب در جاده نصب شود نه آن که در تابلونویسی باشد.

۱۸- «وضع شخصی» و «وضع نوعی» را تعریف کرده و مثال بزنید.

وضع شخصی در جایی است که واضح، لفظ معین و مشخصی را که بنفسه تصور شده

برای معنای مورد نظر وضع کند؛ مانند وضع لفظ «زید» برای یک کودک.
وضع نوعی در جایی است که واضع، هیئت را که تنها عنوانش قابل تصور است برای معنایی، وضع کند؛ مانند هیئت «ضرب» برای اسناد فعل به مفرد مذکر غائب.

۱۹- مقصود از «وضع مرکبات» چیست؟ آیا مرکبات و جملات، وضعی جداگانه غیر از وضع مفردات و هیئات دارند؟ چرا؟

مقصود از وضع مرکبات آن است که مجموع مفردات و هیئت‌های موجود در جمله یا در مرکب، وضع جدیدی (وضع سومی) برای افاده معنای جدید داشته باشند.
 مصنف می‌گوید: چنین وضعی نداریم؛ زیرا نیازی به چنین وضع جداگانه نیست.

۲۰- «علامات حقیقت و مجاز» را همراه مثال ذکر کرده و نظر مصنف را بیان کنید.

علامت اول) تبادر؛ هرگاه معانی و وجود قرینه، از لفظ به ذهن، پیشی بگیرد نشانه حقیقت بودن لفظ در مناسبت. علامت دوم) صحت حمل و عدم سلب برای حقیقت؛ مانند: «حیوان ناطق، انسان است» و «صحت سلب و عدم صحت حمل برای مجاز؛ مانند: «مرد شجاع، شیر نیست». علامت سوم) اطراد؛ یعنی استعمال لفظ در معنای مشکوک، در همه موارد و مصادیق، صحیح است و مخصوص برخی مصادیق نیست.	}	علامت‌های حقیقت و مجاز
---	---	-------------------------------

مصنف دو علامت اول را پذیرفته و درباره علامت سوم می‌گوید: اطراد، اختصاص به معنای حقیقی ندارد و ممکن است لفظ، در معنای مجازی نیز اطراد داشته باشد.

۲۱- «شک در لفظ» چند گونه است و در هر مورد برای رفع شک چه اقدامی باید صورت گیرد؟

- (۱) شک در وضع لفظ برای معنا: در این صورت باید به علامات حقیقت و مجاز مراجعه شود.
- (۲) شک در مراد متکلم از لفظ؛ یعنی برای سامع، معلوم است که لفظ، برای چه معنایی وضع شده اما نمی‌داند متکلم، معنای حقیقی را اراده کرده یا معنای مجازی را و نیز آیا عموم را اراده کرده یا خصوص را و آیا اطلاق را اراده کرده یا تقید را و... در این صورت برای تعیین مراد متکلم باید به اصول لفظیه مراجعه شود.
- انواع شک در لفظ و راه زدودن آنها

۲۲- فرق «اصول لفظیه» با «علامات حقیقت و مجاز» چیست؟

اصول لفظیه برای رفع شک در مراد متکلم است و علامات حقیقت و مجاز برای رفع شک در موضوع له.

۲۳- آیا «استعمال لفظ» در یک معنا نشانه وضع لفظ در آن معناست؟ چرا؟

خیر؛ زیرا استعمال لفظ، هم در معنای حقیقی، صحیح است و هم در معنای مجازی. بنابراین استعمال به تنهایی نشانه وضع و حقیقت نیست.

۲۴- «اصول لفظیه» را نام برده و موارد جریان آنها را بیان کنید.

- (۱) اصالت حقیقت: در صورت شک در اراده معنای حقیقی و معنای مجازی، کلام بر معنای حقیقی حمل می‌شود؛ مانند: «شیری دیدم».
- (۲) اصالت عموم: در صورت شک در اراده عام یا خاص، کلام بر عموم حمل می‌شود؛ مانند: «به هر انسانی سلام کن».
- (۳) اصالت اطلاق: در صورت شک در اراده مطلق یا مقید، کلام بر اطلاق، حمل می‌شود؛ مثلاً در آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵) بر اساس اطلاق آیه، عربی بودن شرط نیست.

- (۴) اصالت عدم تقدیر: در صورت احتمال تقدیر در کلام، اصل، عدم تقدیر است.
- (۵) اصالت ظهور: در صورتی که لفظ در معنای خاصی ظهور دارد ولی صریح نبوده و احتمال خلاف ظاهر می‌رود کلام بر همان معنای ظاهری حمل می‌شود.

۲۵- دلیل بر حجیت اصول لفظیه چیست؟ بیان کنید.

بنای عقلا، توضیح: از یک سو عقلا در گفتگوها به ظاهر کلام یکدیگر تمسک کرده و به خلاف ظاهر اعتنا نمی‌کنند، چنانکه به احتمالات دیگر نظیر احتمال غفلت یا اشتباه یا شوخی یا اهمال و مانند اینها نیز توجه نمی‌کنند.

از سوی دیگر، شارع، جزو عقلا بلکه رئیس آنان است؛ لذا در محاوره با آنان باید شیوه‌ای داشته باشد و آن شیوه را بیان کند در حالی که شارع نه شیوه‌ای را بیان کرده و نه عقلا را از شیوه‌ای که دارند منع نموده است. بنابراین معلوم می‌شود با آنان در این شیوه، موافق است.

۲۶- «ترادف» چیست؟

«ترادف» یعنی هم‌معنا بودن دو کلمه مانند «أسد» و «الضئیر».

۲۷- اشتراک لفظی و معنوی را تعریف کنید. منظور از اشتراک در این بحث کدام معناست.

اشتراک لفظی؛ یعنی یک لغت دارای چند معنا باشد؛ مانند «عین» به معنای چشم، چشمه و خورشید.

اشتراک معنوی؛ یعنی یک لغت دارای معنای کلی و قابل انطباق بر افراد بی‌شمار باشد؛ مانند «انسان».

مقصود از اشتراک در این بحث، اشتراک لفظی است.

۲۸- آیا در لغت عربی، مترادف و اشتراک، امکان دارد و واقع شده؟ چرا؟

بله؛ امکان دارد و واقع شده و در لغت عربی، نمونه‌های بسیاری از این دو پیدا می‌شود.

۲۹- به نظر مصنف، منشأ پیدایش مترادف و اشتراک چیست؟ توضیح دهید.

به نظر مصنف علت پیدایش مترادف و اشتراک، واضع متعدد است؛ زیرا هر قومی برای یک معنایی به کار می‌برد و آنگاه که این لغات جمع می‌شود و همه به عنوان لغت عربی صحیح شناخته می‌شود، مترادف یا اشتراک پدید می‌آید.

۳۰- استعمال لفظ مشترک، در معنا چند صورت دارد؟ آیا استعمال آن در بیش از یک معنا در استعمال واحد، جایز است؟ نظر مصنف را توضیح دهید.

اول) استعمال در یک معنا؛ این گونه استعمال همراه با قرینه، اشکال

ندارد اما بدون قرینه باعث اجمال و ابهام است

دوم) استعمال در مجموع معانی؛ مانند استعمال واژه «عین» به معنای

«مسما به عین» (نامیده شده به عین). این گونه استعمال، مجازی است

و نیاز به قرینه دارد.

سوم) استعمال در بیش از یک معنا به گونه‌ای که تک تک معانی در

یک استعمال، به طور مستقل از لفظ، اراده شود.

لفظ مشترک
به چند صورت
استعمال
می‌شود

به نظر مصنف استعمال در بیش از یک معنا جایز نیست؛ زیرا بدان معناست که دو

لحاظ و دو نحوه وجود در یک آن، در یک ملحوظ، اجتماع کنند. این اجتماع، ممتنع

است؛ چنانکه نمی‌توان در یک آن، دو صورت را در آینه مشاهده کرد به طوری که هر

کدام از آنها تمام آینه را فرا بگیرد.

۳۱- آیا استعمال لفظ در بیش از یک معنا درباره تشبیه و جمع، جایز است؟

چرا؟

خیر؛ زیرا تثنيه و جمع، دو هیئت برای فهماندن تعدد می‌باشند. اما تعددی که از آنها فهمیده می‌شود تعدد فرد و مصداقی است که ماده لفظ بر آن دلالت می‌کند؛ یعنی منظور از «عینان» دو فرد از همان معنایی است که از واژه «عین» اراده شده؛ مثلاً اگر منظور از عین، «چشم» باشد معنای «عینان» «دو چشم» خواهد بود و اگر «چشمه» باشد، منظور «دو چشمه» خواهد بود. بنابراین تعددی که جمع و تثنيه افاده می‌کنند «تعدد افرادی» است نه «تعدد معنایی».

۳۳- «حقیقت شرعیه» و «حقیقت متشرعیه» را توضیح داده و بیان کنید نزاع

در حقیقت شرعیه چگونه است

در اسلام، واژه‌هایی مانند «صوم» و «صلاة» در معنای جدیدی به کار می‌رود که قبل از اسلام در آنها به کار نمی‌رفته‌اند؛ اگر بگوییم: این واژه‌ها در عصر خود شارع (رسول اکرم ﷺ) برای معانی جدید نقل یافته (چه با وضع تعینی و چه با وضع تعینی) در این صورت حقیقت شرعیه خواهند بود و اگر در عصر بعد از ایشان در لسان متشرعین، نقل یافته باشند حقیقت متشرعه می‌باشند.

نزاع در حقیقت شرعیه به این صورت است که برخی، واژه‌های مزبور را حقیقت شرعیه و برخی دیگر حقیقت متشرعه می‌دانند.

۳۴ ثمره نزاع در حقیقت شرعیه در کجا ظاهر می‌شود؟ توضیح دهید.

ثمره نزاع در حقیقت شرعیه، درباره الفاظی که در کلام پیامبر اکرم ﷺ بدون قرینه آمده آشکار می‌شود؛ زیرا بر اساس ثبوت حقیقت شرعیه، این الفاظ بر معانی شرعی حمل می‌شود و بر اساس ثبوت حقیقت متشرعیه یا بر معانی لغوی حمل می‌شود و یا توقف می‌شود و بر هیچکدام حمل نمی‌گردد.

۳۴- نظر مصنف درباره حقیقت شرعیه چیست؟

مصنف می گوید: نقل الفاظ شرعی به معانی جدید به یکی از این دو صورت است:
الف) با وضع تعینی: این وجه صحیح نیست؛ زیرا اگر چنین وضعی در کار بود حتما در تاریخ ثبت می شد.

ب) با وضع تعینی: این گونه وضع در زمان امیر المؤمنین علیه السلام و بعد از ایشان حتما بوده اما در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین وضعی حتمی نیست و اگر بالفرض حتمی باشد اثبات حقیقت شرعیه درباره زمان آن حضرت صلی الله علیه و آله نتیجه چندانانی ندارد؛ زیرا الفاظ شرعی در قرآن، غالبا قرینه دارند و بر معانی شرعی حمل می شوند و واژه هایی مانند صلاة، صوم، زکات و حج، بعید است در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حقیقت شرعی نشده باشند.

صحیح و اعم

۳۵- مقصود از «صحت» و «فساد» عبادت یا معامله در اینجا چیست؟

صحت یعنی عبادت یا معامله، دارای اجزا و شرایط کامل باشد و فساد یعنی اجزا یا شرایط عبادت یا معامله، ناقص باشد؛ مثلا نمازی که همه اجزا از جمله سوره را دارد صحیح است و نماز بدون سوره فاسد است.

۳۶- ثمره نزاع صحیحی و اعمی چیست؟ توضیح دهید.

اعمی می تواند به اصالة الاطلاق رجوع کند ولی صحیحی نمی تواند؛ توضیح این که: هر گاه مولا به انجام کاری امر کند و مکلف کاری انجام دهد و در اصل صدق عنوان مأموریه مولا بر مصداق انجام شده، شک نماید؛ مثلا نماز بدون سوره انجام داده و شک می کند عنوان نماز بر آن، صدق می کند یا نه؛ در اینجا:

الف) اعمی می گوید: بر نماز بدون سوره، عنوان «نماز» صدق می کند؛ در

نتیجه می‌توان به اصالة الاطلاق تمسک کرده و به همین نماز اکتفا نمود.
ب) صحیحی می‌گوید: در اصل صدق عنوان «نماز» بر چنین نمازی شک داریم و لذا نمی‌توان به اصالة الاطلاق رجوع نموده و به نماز بدون سوره اکتفا نمود بلکه یا قاعده احتیاط، جاری می‌شود یا قاعده برائت.

۳۷- نظر مصنف درباره مسئله صحیح و اعم و دلیل ایشان چیست؟

به نظر مصنف الفاظ عبادات و معاملات برای اعم وضع شده‌اند و دلیل آن تبادر و عدم صحت سلب است.

۳۸- آیا نزاع صحیح و اعم در الفاظ معاملات جاری می‌شود؟ چرا؟

اگر الفاظ معاملات مانند الفاظ بیع و کحاح و طلاق و عتق، وضع شده باشند برای اسباب؛ یعنی إنشاء عقد (ایجاب و قبول) و ايقاع (ایجاب) که باعث ملکیت، زوجیت، فراق و مانند اینها می‌شود در این صورت می‌توان نزاع صحیح و اعم را درباره الفاظ معاملات مطرح کرد؛ زیرا این اسباب، دارای اجزاء هستند.
و اگر وضع شده باشند برای مسببات؛ مانند ملکیت، زوجیت و حریت؛ چون این معانی، بسیط و بدون اجزا هستند نمی‌توان نزاع فوق را درباره آنها طرح کرد.

۳۹- ثمره نزاع صحیح و اعم درباره معاملات چگونه است؟

الفاظ معاملات بر خلاف الفاظ عبادات، معانی جدیدی در اصطلاح شارع ندارند و شارع نسبت به این واژه‌ها مانند یکی از افراد عرف است، از این جهت، واژه‌ای را که شارع به کار می‌برد در صورت نبودن قرینه، بر معنای ظاهری اش حمل می‌شود؛ چه صحیحی باشیم و چه اعمی.

مقصد اول: مباحث الفاظ

مشتق، اوامر، نواهی، مفاهیم، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین

باب اول: مشتق

مشتق اصولی، وضع مشتق، جریان نزاع در اسم زمان،

اختلاف مشتقات از نظر مبادی، استعمال مشتق به لحاظ حال تلبس

۲۰ مشتق به چند صورت استعمال می‌شود و در کدام صورت، حقیقت و در کدام صورت، مجاز است؟

مشتق به سه صورت استعمال می‌شود:

(۱) به لحاظ زمان تکلم؛ مثلاً بگوید: «آب گرم» و منظورش آبی باشد که در زمان تکلم گرم است.

(۲) به لحاظ گذشته؛ مثلاً منظورش از آب گرم، آبی است که قبلاً گرم بوده است.

(۳) به لحاظ آینده؛ مثلاً منظورش آبی باشد که بعداً گرم می‌شود.

به نظر همه اصولیون صورت اول، حقیقت و صورت سوم مجاز است. درباره صورت دوم اختلاف است. به نظر مصنف صورت دوم، مجاز می‌باشد؛ بنابراین اگر مولا بگوید: «وضو با آبی که با خورشید، گرم شده کراهت دارد» و مکلف با آبی که قبلاً با خورشید گرم شده ولی هم اکنون سرد شده است وضو بگیرد وضوی او کراهت ندارد.